

زبانہ کشیدن دوباره‌ی جنگ در
خاورمیانه: سرمایه‌داری جز جنگ
و توحش چیزی برای بشریت ندارد



صدای انترناسیونالیستی

مدتی پیش، تفاهم‌نامه‌ای میان دولت‌های ایران و آمریکا به صورت دیجیتال توسط پزشک‌یان و ترامپ امضا شد. این تفاهم‌نامه چارچوبی برای ادامه‌ی مذاکرات تعیین می‌کرد تا دو طرف بتوانند ظرف حداکثر شصت روز به توافقی نهایی دست یابند. هم زمان، دولت‌های بورژوازی و دستگاه‌های تبلیغاتی آنان این توافق را نشانه‌ای از گشایش در روابط و نویدبخش صلح و ثبات در منطقه معرفی می‌کردند، حال آنکه درگیری‌ها و رویارویی‌های نیابتی در اشکال مختلف همچنان ادامه داشت.

ما همان زمان تأکید کردیم که این تفاهم‌نامه نه بیانگر استقرار صلحی پایدار، بلکه بازتاب توازن قوای موقت میان دولت‌های درگیر است.^۱ زیربنای مادی این کشمکش‌ها همچنان دست‌نخورده باقی مانده است. رقابت میان قدرت‌های امپریالیستی بر سر حوزه‌های نفوذ، مسیرهای انتقال انرژی، بازارها، موقعیت‌های ژئوپلیتیکی و برتری نظامی، نه با یک تفاهم‌نامه از میان می‌رود و نه با مذاکرات دیپلماتیک حل می‌شود. تا زمانی که این مناسبات مادی پابرجا است، امکان بازگشت تنش‌ها و جنگ نیز همواره وجود خواهد داشت. آنچه در چنین مقاطعی تغییر می‌کند، نه ماهیت تقابل‌ها، بلکه شکل و شیوه‌ی پیشبرد آن‌هاست.

از این رو، برخلاف تبلیغات دولت‌ها و رسانه‌های بورژوازی که هر تفاهم‌نامه‌ی دیپلماتیک را آغاز «دوران جدید صلح» معرفی می‌کنند، از منظر مارکسیسم و سنت کمونیست چپ،

^۱ برای آگاهی بیشتر، مطالعه‌ی مقالات زیر توصیه می‌شود:

- فراتر از جنگ و تفاهم‌نامه: سرمایه‌داری سرچشمه‌ی جنگ است
- آتش‌بس موقت جنایتکاران جنگی: میان پرده‌ای در جنگ امپریالیستی تعمیم یافته

این گونه تفاهم‌نامه‌ها حتی اگر به توافق‌ها نیز منجر شوند، تنها وقفه‌هایی موقت در روند دائمی رقابت‌های امپریالیستی هستند. صلح در سرمایه‌داری، به ویژه در عصر امپریالیسم، نه پایان جنگ، بلکه ادامه‌ی همان رقابت‌ها با ابزارهای دیگر است. به همین دلیل، تفاهم‌نامه‌ی اخیر را باید نه پایان منازعات، بلکه لحظه‌ای گذرا در روندی دانست که مادام که مناسبات سرمایه‌داری پابرجا است، بار دیگر به تنش، جنگ و توحش خواهد انجامید.

بر اساس بند پنجم تفاهم‌نامه، مقرر شده بود که تنگه‌ی هرمز برای یک دوره‌ی اولیه‌ی شصت‌روزه، در هر دو مسیر خلیج فارس و دریای عمان، بدون دریافت عوارض برای کشتی‌های تجاری باز بماند. در عین حال، در متن تفاهم‌نامه تصریح شده بود که جمهوری اسلامی درباره‌ی نحوه‌ی اداره‌ی آینده‌ی این آبراه و ارائه‌ی خدمات دریایی با عمان و دیگر کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس گفت‌وگو خواهد کرد؛ بندی که امکان تغییر رژیم عبور و حتی طرح دریافت عوارض یا هزینه‌های خدمات دریایی را در آینده منتفی نمی‌کرد.

تحولات بعدی نشان داد که تنگه‌ی هرمز دیگر صرفاً یک گذرگاه مهم تجاری نیست، بلکه به یکی از اهرم‌های اصلی رقابت‌های امپریالیستی در منطقه تبدیل شده است. آنچه پیش‌تر تنها یک ظرفیت بالقوه بود، در جریان تشدید تنش‌ها به ابزاری بالفعل برای اعمال فشار سیاسی، اقتصادی و نظامی بدل شد. از این منظر، تلاش بورژوازی اسلامی برای افزایش کنترل خود بر این آبراه، بخشی از کوشش آن برای ارتقای موقعیت منطقه‌ای و افزایش قدرت چانه‌زنی در رقابت‌های امپریالیستی است؛ همان گونه که ایالات متحده و متحدانش نیز می‌کوشند مانع از تبدیل شدن این اهرم به یک مزیت راهبردی برای ایران شوند.

در همین چارچوب، هر دو طرف کوشیدند با بهره‌گیری از ابزارهای نظامی، حقوقی و لجستیکی، کنترل بیشتری بر مسیرهای کشتیرانی اعمال کنند و عبور و مرور دریایی را بر اساس منافع راهبردی خود سامان دهند. نتیجه آن بود که تنگه‌ی هرمز بیش از پیش به یکی از کانون‌های رویارویی میان قدرت‌های رقیب سرمایه‌داری تبدیل شد؛ رویارویی‌ای که در آن تجارت جهانی، انتقال انرژی و حتی جان میلیون‌ها انسان تابع رقابت دولت‌های سرمایه‌داری است. جمهوری اسلامی نیز تلاش کرد کنترل بر تنگه را به اهرمی برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود در رقابت‌های امپریالیستی بدل کند و در شرایط تشدید تنش‌ها، همواره امکان تهدید به محدود کردن یا مختل ساختن عبور و مرور دریایی را حفظ نماید. تحقق چنین هدفی می‌توانست موقعیت منطقه‌ای و امپریالیستی ایران را تقویت و در مقابل، موقعیت ایالات متحده و متحدانش را تضعیف کند. در همین راستا، ایران سامانه‌ای را به اجرا گذاشت که بر اساس آن کشتی‌ها پیش از ورود به مسیر مورد نظر باید مجوز دریافت می‌کردند. در مقابل، با حمایت و فشار ایالات متحده، عمان مسیر جایگزینی را از طریق آب‌های سرزمینی خود در اختیار کشتیرانی بین‌المللی قرار داد تا اثرگذاری ابتکار ایران را کاهش دهد. متعاقب آن، بورژوازی اسلامی اعلام کرد که تنگه‌ی هرمز بسته است و به کشتی‌هایی که از مسیر جایگزین عمان و با حمایت ایالات متحده تردد می‌کردند، حمله نمود.^۲

^۲تنگه هرمز بسته شد.

جنگ طلبان آمریکایی بمباران ایران را آغاز کردند و جنگ طلبان ایرانی نیز به پایگاه‌ها و منافع آمریکا و متحدانش در منطقه حمله کردند. با تشدید درگیری، جنگ به تدریج از اهداف صرفاً نظامی فراتر رفت و زیرساخت‌های حیاتی نیز به میدان جنگ امپریالیستی کشیده شدند. ایالات متحده برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی، حملات خود را به تخریب پل‌ها، تونل‌ها، تأسیسات آب‌شیرین‌کن، ایستگاه‌های پمپاژ آب، فرودگاه‌ها و سامانه‌های کنترل ترافیک دریایی گسترش داد. در مقابل، جمهوری اسلامی نیز اهدافی را در اردن، کویت، قطر، عمان، عراق و امارات مورد حمله قرار داد و در ادامه، بخشی از زیرساخت‌های حیاتی این کشورها، از جمله تأسیسات آب‌شیرین‌کن، اسکله‌های بارگیری نفت و دیگر مراکز لجستیکی نیز در کویت در معرض حملات قرار گرفتند.

بدین ترتیب، جنگ از یک رویارویی نظامی فراتر رفت و به جنگی علیه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه تبدیل شد. این تحول نشان می‌دهد که در جنگ‌های امپریالیستی، زیرساخت‌های غیرنظامی نیز به بخشی از اهداف نظامی تبدیل می‌شوند، زیرا فلج کردن توان اقتصادی و لجستیکی رقیب خود به یکی از ابزارهای پیشبرد جنگ بدل می‌شود. در چنین جنگی، طبقه‌ی کارگر و توده‌های زحمتکش هیچ منفعتی ندارند؛ آنان نه تنها به‌عنوان سربازان این جنگ‌ها قربانی می‌شوند، بلکه با نابودی زیرساخت‌هایی که زندگی روزمره‌ی جامعه به آن‌ها وابسته است، هزینه‌ی واقعی رقابت دولت‌های سرمایه‌داری را نیز می‌پردازند. این همان منطق جنگ امپریالیستی است: سرمایه‌داری، چه در دوران «صلح» و چه در دوران جنگ، چیزی جز ویرانی، توحش و تشدید رنج بشریت عرضه نمی‌کند.

تاکنون این جنگ، نه از سوی طبقه‌ی کارگر منطقه و نه، مهم‌تر از آن، از سوی طبقه‌ی کارگر جهانی، با واکنش مستقل طبقاتی روبه‌رو نشده است. پرولتاریا عمدتاً در جایگاه ناظر این رویارویی باقی مانده و هنوز نتوانسته است با مبارزه‌ی مستقل خود، در برابر صف‌بندی‌های امپریالیستی به‌عنوان یک نیروی سیاسی متمایز ظاهر شود. این وضعیت یکی از نقاط ضعف کنونی مبارزه‌ی طبقاتی در مقیاس بین‌المللی است.

در چنین شرایطی، وظیفه‌ی کمونیست‌های انترناسیونالیست، به ویژه کمونیست‌های چپ، دفاع قاطع از انترناسیونالیسم پرولتاری و افشای بی‌وقفه‌ی ماهیت امپریالیستی این جنگ است. این موضع مستلزم رد هرگونه جانبداری از اردوگاه‌های متخاصم سرمایه‌داری، تأکید بر استقلال سیاسی پرولتاریا و مبارزه علیه همه‌ی دولت‌های سرمایه‌داری، صرف نظر از شکل حکومت، موقعیت ژئوپلیتیکی یا شعارهای ایدئولوژیک آنان است. هم‌زمان، افشای ماهیت دموکراسی بورژوایی نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از این وظیفه است؛ زیرا دموکراسی نیز، همانند دیگر اشکال دولت بورژوایی، می‌کوشد طبقه‌ی کارگر را با شعارهایی چون «دفاع از آزادی»، «حفظ دموکراسی» یا «دفاع از میهن» به قربانی شدن در راه منافع سرمایه وادارد.

تأکید کمونیست‌ها بر مبارزه‌ی طبقاتی، استقلال سیاسی پرولتاریا و مخالفت با همه‌ی دولت‌های سرمایه‌داری، برخاسته از یک باور اخلاقی یا ایدئولوژیک نیست، بلکه بر تحلیل مادی از جایگاه پرولتاریا در شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری استوار است. طبقه‌ی کارگر هیچ منفعتی در پیروزی این یا آن دولت ندارد، زیرا در هر دو سوی جنگ، قربانی استثمار، بسیج نظامی، ویرانی و کشتار است. از این رو، تنها مبارزه‌ی مستقل و بین‌المللی پرولتاریا می‌تواند

ماشین جنگی سرمایه را به چالش بکشد و امکان پایان دادن به چرخه‌ی جنگ‌های امپریالیستی را فراهم آورد.

از این منظر، پایان جنگ‌های امپریالیستی نه از مذاکرات دیپلماتیک، نه از مداخله‌ی لانه دزدان (سازمان ملل) و نه از هیچ یک از نهادهای بورژوازی حاصل خواهد شد. تنها راه پایان دادن به جنگ، تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ طبقاتی علیه سرمایه، گسترش مبارزه‌ی بین‌المللی پرولتاریا و پیشروی به سوی انقلاب جهانی کمونیستی است. بدیل واقعی در برابر جنگ و بربریت، نه صلح بورژوازی، بلکه الغای نظام سرمایه‌داری است؛ زیرا تا زمانی که سرمایه‌داری پابرجاست، جنگ نیز به عنوان یکی از اشکال اجتناب ناپذیر حیات آن بازتولید خواهد شد.

کارگران وطن ندارند!

مرگ بر جنگ امپریالیستی!

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

اکبری

۲۷ تیر ۱۴۰۵

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (توییتز سابق):

https://twitter.com/int_voice

Workers of the world, unite!

Internationalist Voice

English

فارسی



Communist Revolution or the Destruction of Humanity!

صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است !

بیانیه مشترک جریانات
کمونیست چپ بین المللی
در رابطه با جنگ در خاورمیانه



- جریان کمونیست بین المللی
- صدای انترناسیونالیستی

بیانیه مشترک جریانات
کمونیست چپ بین المللی
در رابطه با جنگ در اوکراین



- جریان کمونیست بین المللی
- صدای انترناسیونالیستی
- انیستیتو دامن
- چشم انداز کمونیست انترناسیونالیستی

فراقر از جنگ و تفاهم نامه:
سرمایه داری سرچشمه ی جنگ است



صدای انترناسیونالیستی

انتخاب سرنوشت ساز:
نه دموکراسی یا فاشیسم،
بلکه سوسیالیسم یا بربریت



صدای انترناسیونالیستی